

**دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۹** ۴۰۱۳۹۹ جمدای‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۸ ژانویه ۲۰۲۱

## خبر کوتاه

### نقشه زیدان برای ربودن خرید احتمالی بارسلونا

رسانه های اسپانیایی روز شنبه گزارش دادند که رئال مادرید در نظر دارد تا در نقل و انتقالات زمستانی به سمت بازیکن مدنظر بارسلونا هجوم برده و ممفیس دپای مهاجم هلندی را از تیم لیون فرانسه به خدمت بگیرد.
پس از اینکه رئال مادرید با انتقالی قرضی لوکا پوچچ را به اینترناخت فرانکفورت فرستاد و رودریگو برزیلی نیز دچار آسیب دیدگی شده است، حالا زیدان به دنبال این است تا ممفیس دپای را به عنوان جایگزین این دو بازیکن از فرانسه به مادرید بکشاند.شبکه خبری دیاریو گل در خبری اعلام کرده است که رئال مادرید در حال بررسی بازیکنان موجود در بازار نقل و انتقالات است و قصد دارد یک مهاجم را به تیمش اضافه کند و میانجیگرها نیز در حالی ممفیس دپای را به زیدان پیشنهاد داده اند که بارسلونا از نقل و انتقالات تابستانی به دنبال جذب دپای بود ولی به دلیل مشکلات مالی ناشی از کرونا، در جذب این بازیکن ناکام بود.
دپای تا تابستان سال آینده با المپیک لیون قرارداد دارد و از تمدید آن نیز خودداری کرده است و بارسلونا قصد داشت که با پرداخت ۵ میلیون یورو در نقل و انتقالات زمستانی و یا به صورت رایگان در تابستان آینده دپای را جذب کند ولی حالا آنها یک رقیب بزرگ را بر سر راه خود می بینند.دیاریو گل اضافه کرد که رئال مادرید به فکر ورود به بازار نقل و انتقالات زمستانی فعلی نبوده اما ممکن است پس از قرض دادن پوچچ به فرانکفورت و همچنین غیبت چند هفته ای رودریگو به دلیل آسیب دیدگی تاندون استخوان دو سر ران پای راست، برنامه های رئال مادرید و زیدان تغییر کند و آنها دپای را از لیون به خدمت بگیرند.
این رسانه همچنین گفته است که رئال مادرید بابت مصدومیت احتمالی کریم بنزما نیز نگران است و این مسائل همگی دست به دست هم داده است تا آنها قصد هایچک کردن ممفیس دپای را از بارسلونا داشته باشند و باید دید در این جنگ میان دو رقیب دیرینه و سنتی، کدامیک برنده شده و ممفیس دپای را با لباس کدام تیم خواهیم دید.

### بدترین شروع؛ چه بر سر زیدان آمده؟

بازی برابر بیلباو در نیمه نهایی سوپرکاپ اسپانیا در واقع بازی شماره ۲۵ فصل این تیم تحت هدایت زیدان در فصل جاری بود.
رئال در ۲۵ بازی، شش بار شکست خورده، ۵ بار مساوی کرده و ۱۴ بار نیز پیروز شده است.
این بدترین شروع رئال با زیدان در یک فصل است.
رئال اسمال در لالیگا به کادیز، لآوس و والنسیا باخت، در لیگ قهرمانان دو بار مغلوب شاختار شد و در سوپرکاپ هم به بیلباو باخت.
رئال با زیدان هرگز در سوپرکاپ ناکام نمانده بود.زیدان کار خود در رئال را از ژانویه ۲۰۱۶ شروع کرد.
در ۲۵ بازی ابتدایی روی نیمکت، رئال با ۴ تساوی و سه شکست را تجربه کرد.
رئال در لالیگا با یک امتیاز کمتر از بارسا دوم شد ولی در لیگ قهرمانان عنوان قهرمانی را کسب کرد.
فصل ۱۷-۲۰۱۶ بهترین عملکرد زیدان در رئال بوده و با او تیم فاتح لالیگا و لیگ قهرمانان شد.
در ۲۵ بازی ابتدایی فصل، رئال اصلا متحمل شکست نشد و تنها ژانویه ۲۰۱۷ بود که بالاخره در زمین سوپا شکست را تجربه کرد.
فصل ۱۸-۲۰۱۷، رئال در ۲۵ بازی ابتدایی خود متحمل ۳ باخت و ۵ تساوی شد.
دو باخت در لالیگا و یک باخت در لیگ قهرمانان.
در پایان فصل رئال بار دیگر قهرمان چمپیونزلیگ شد ولی در لالیگا سوم شد تا زیدان در پایان فصل به شکلی غیرمنتظره استعفا کند.
فصل گذشته رئال با زیدان در ۲۵ بازی ابتدایی دو باخت یکی در لیگ قهرمانان و دیگری در لالیگا و هشت تساوی کسب کرد.
در نهایت فاتح سوپرکاپ اسپانیا و لالیگا شد.فصل جاری رئال سوپرکاپ را از دست داده ولی در لالیگا، کوپا دل ری و لیگ قهرمانان همچنان دارای شانس است.
در لالیگا اگر اتلتیکو دو بازی عقب افتاده خود را پیروز شود، امتیاز از رئال فاصله خواهد گرفت اما تنها یک شکست از سوی این تیم رئال را امیدوارتر به ادامه فصل می کند.

## ادامه یادداشت

**حیات مابعد قهرمانی؛**
**اینبار هادی ساعی**
*حسین محمدی*
از نسل فعلی کمتر کسی است که با مدال‌های سالی و کیفیت و توان فنی بالا او در مسابقات متعدد خاطره نداشته باشد و حداقل قیلم‌ها و اطلاعات او موجود است، اگر دارنده دو مدال طلا و یک مدال برنز المپیک قهرمان نیست، او را چه خطاب می‌کنند؟ اما در مسئله پهلوانی باید بگوییم که این ویژگی ذاتی ورزشکاران نیست و نمی‌توان گفت هرکسی که مدال المپیک یا جهانی دارد پهلوان است. پهلوانی یک ویژگی اکتسابی است که در طول زمان شکل می‌گیرد. افراد با منش، رفتار و سبک زندگی به این مهم دست پیدا می‌کنند، از طرفی عصر پهلوانی تمام شده و در زمانه قهرمانان هستیم. ویژگی‌هایی که با آن کسی را پهلوان خطاب می‌کنیم کمرنگ شده و می‌توان گفت دیگر آن ارزش‌ها و معیارها برای کسی اهمیت ندارد که اکنون بخواهیم به دنبال پهلوان بگردیم، اما اگر معتقدیم ورزشمان حرفه‌ای است باید بیش از پیش به مسئله ورزشکاران و خصوصا حیات مابعد قهرمانی آنان توجه کنیم.
دنیای ورزش در حال تغییر است و کارشناسان در کشورهای پیشرفته حتی در حال تغییر ژنتیکی ورزشکاران از بدو تولد هستند اما ورزش کشور ما هنوز توان حمایت و مدیریت از قهرمانان خود را هم ندارد، چه برسد به اینکه بخواهد به مابعد قهرمانی آنان بپردازد.

محمد قراگزلو

باور کنید نیازی به این کارها نبود. اصلاً لازم نبود یحیی در مصاحبه بعد از بازی چنین استراتژی‌ای برای فرار از انتقادات برگزیند. تیم او خیلی خوب بازی کرده بود. خیلی بهتر از تمام بازی‌های قبلی و البته برتر از حریف دیرینه. بله، نتیجه از کف رفته بود و حتماً اشتباهاتی رخ داده که دو امتیاز شیرین و یک برد غرورانگیز از دست رفته اما چرا نباید نیمه پر لیوان را می‌دیدیم؟ چرا یحیی از بازی خوب تیمش به اندازه کافی لذت نبرد؟ چرا لذتش را با هواداران شریک نشد؟ چرا این بازی روان و برتر را نشانه‌ای برای تکان خوردن تیمش بعد از یک دوره رخوت چند هفته‌ای اعلام نکرد؟ چرا به جای حمله به رئیس هیأت مدیره، به هواداران دلگرمی نداد که نمایش‌های پرانتقاد تمام شده و از حالا باید منتظر یک تیم قدرتمند و مدعی قهرمانی باشیم؟ چرا یحیی فنی حرف نزد و با فکت‌های فنی امیدوارمان نکرد؟ چرا رفت سراغ داستان‌هایی که به او نمی‌آید؟ چرا مسیر مصاحبه را به آن سمت کشاند که همه تصور کنند تیم او در دربی شکست خورده و از حیث فنی بازنده بوده که اینطوری عصبانی و شاکی است؟

واقعیت اینکه یحیی گل‌محمدی تحت تأثیر اینستاگرام و فضای مجازی چنین استراتژی را بعد از دربی برگزید در شرایطی که نمی‌دانست با چنین روشی سطح مربیگری خودش و آنچه همه فوتبال ایران از او در ذهن داشتند را مخدوش کرده است. یحیی بعد از دربی جام حذفی و مسابقه‌ای که برد را در لحظات پایانی از دست داد و در

تا اواسط دهه ۷۰ چیزی به نام دو قطبی روی سکوها میان هواداران استقلال وجود نداشت و همه چیز حول محور تاجپیک که این دین داخل مستطیل سبز می‌گرفت، می‌چرخید ولی پس از ماجراهایی که آذر ماه سال ۷۵ رخ داد، اولین جرقه دوقطبی شدن هواداران استقلال زده شد. عده از آن‌ها به شدت حامی ناصر حجازی بودند و برخی نیز قاطعانه از منصور پورحیدری حمایت می‌کردند. البته هر دو چهره فقید اقتدر سیاست و معرفت داشتند که هواداران خود را هرگز وادار به شورش علیه طیف مقابل نکنند. داستان اما از اواسط دهه ۸۰ سر و شکل دیگری به خود گرفت. حالا استقلال علاوه بر ناصرخان و منصورخان، چند «خان»، «پادشاه» و «آقا» هم داخل مجموعه خود می‌دید که هیچکدام با دیگری در یک اقلیم نمی‌گنجدیند. بازیکنان بزرگی که به دوران بازنشستگی رسیده و حالا داعیه هدایت آبی‌پوشان پایتخت را داشتند. این ماجرا سال به سال پررنگ‌تر شد و از ابتدای دهه جاری عملاً مدعیان شماره یک شدن برای نیمکت استقلال به یک معضل بزرگ برای صاحب منصبان و حتی هواداران بدل شد. گروهی برای امیر قلعه‌نویی حنجره می‌تراشید، عده‌ای فرهاد مجیدی را انتخاب اصلح می‌دانستند، برخی علیرضا منصوریان را شایسته‌ترین فرد تلقی می‌کردند و… در این میان افرادی هم بودند که با خرج کردن روی سکوها، برخی از بوقچی‌ها را نمک‌گیر خودشان می‌کردند تا در بزنگاه‌های حساس هواداران هیجان زده را به نفع آن‌ها تحریک کنند و علیه بقیه فریاد حیا کن و رها کن سر دهند. در چنین فضای نابسامانی بود که هر روز اخبار عجیب و غریبی شنیده می‌شد. از ادعای برخی افراد مبنی بر آنکه فلان مربی پر افتخار لیگ برتر دشل دشل می‌خواهد استقلال بدون او نتیجه نگیرد تا نامش در ذهن استقلالی‌ها همواره تحت عنوان یک ناجی مطرح باشد تا زمزمه‌هایی میان قدیمی‌های آبی که تأکید می‌کردند برخی افراد با هم ائتلاف می‌کنند و مصاحبه‌های مسلسل‌وار علیه سرمربی وقت استقلال انجام می‌دهند تا او برکنار شود و همین نگرانی به نان و نوایی برسد. البته به موازات این فعالیت‌ها، فضای مجازی نیز در حال رشد بود و حالا همین فضا در اختیار برخی افراد زرنگ قرار گرفته تا با استفاده از هیجان و احساسات استقلالیها، سواستفاده خود را تکمیل کنند.

داستان اخیر قهر و غضب یحیی گل‌محمدی با بازگشت سرمربی پرسپولیس به تمرینات این تیم فروکش کرد. روز دوشنبه داریی تهران برگزار شد و نشست خبری پس از این دیدار به جای بحث در مورد مسائل فنی، به محلی برای اظهارات تند و غافلگیرکننده یحیی تبدیل شد. سرمربی سرخپوشان پس از توضیحی مختصر در مورد شرایط مسابقه، با صراحتی عجیب و کم‌سابقه در فوتبال ایران به وزیر ورزش به عنوان یک مقام بالادستی ضرب‌الاجل داد تا کادر هیأت‌مدیره را دوستجو کند تغییر کند.

کسی که باید می‌رفت، مهدی رسول‌پناه بود و گل‌محمدی با چنین ادبیاتی خواست‌اش را مطرح کرد: «دو روز به وزیر فرصت می‌دهیم تا تکلیف آدم‌های کوچک حاضر در هیأت‌مدیره را مشخص کند وگرنه تبعات اتفاقاتی که رخ خواهد داد، بر عهده ایشان خواهد بود.» در این مورد به نظر می‌رسد فضای احساسی حاکم بر شبکه‌های اجتماعی روی تفکرات سرمربی پرسپولیس اثر گذاشته، در غیر این صورت حتی اگر وزیر

نهایت شکست خورد در فضای مجازی و بخصوص اینستاگرام تحت فشار عجیبی قرار گرفت و سه، چهار روز حال خوشی نداشت. یحیی بعد از دربی اخیر و از دست دادن پیروزی در دو دقیقه پایانی یاد آن انتقادهای عجیب و حملات سایبری به او و کادرش افتاد و برای فرار از ماجراهای تکراری، استراتژی حمله به رئیس هیأت مدیره را برگزید، فارغ از اینکه این استراتژی در همه هواداران رسانه‌ها نفوذ و تأثیر صددرصدی نخواهد داشت و کاربردی نمی‌شود.

ماجرا بسیار ساده است. رسانه و هوادار همه

چیز را می‌دانند. هیچ کس از رسول‌پناه دل خوشی ندارد و همه از ناکارآمدی و سوءمدیریت او خبر دارند. نشانه‌هایش هم دم دست است و هنوز زخم‌هایی که او به تیم زده تازه به نظر می‌رسد.



همه متعجب و حیرانند که چطور مدیری با آن حجم از حاشیه‌سازی و ناهمگونی با تیم هنوز در رأس هیأت مدیره مانده و در تصمیم‌سازی باشگاه تأثیرگذار است.رسول‌پناه هیچ دوستی در رسانه و هوادار ندارد. همه به رفتار و عملکرد او نقد دارند و ماندنش در باشگاه را اشتباهی بزرگ از سوی رئیس مجمع می‌دانند اما واقعیت اینکه همه این ماجراها نمی‌تواند و نباید دستمایه‌ای برای یحیی گل‌محمدی به عنوان یک مربی فنی و عملگرا بعد از تساوی در دربی و از دست رفتن دو امتیاز دیگر باشد.یحیی استراتژی اشتباه را برگزیده و در این راه اشتباه همچنان پیش می‌رود. او در این مسیر برخی جریان‌های رسانه‌ای و هواداری را همراه خود دارد اما همین که می‌بیند همه همراهش نیستند و به سوءمدیریت رسول‌پناه به عنوان دلیل اصلی از

# استقلال، زخم خورده جنگ‌های قبیله‌ای

این روزها استقلال به معنای واقعی کلمه زخم‌خورده از جنگ‌های داخلی و قبیله‌ای است که متأسفانه از داخل فضای مجازی فرماندهی می‌شود و خود استقلالی‌ها بدون اینکه اصلاً در جریان باشد، نقش سربازان بدون جیره و مواج افرادی را بازی می‌کنند که قاعده بازی را خوب بلدند! اینکه امیر قلعه‌نویی سرمربی استقلال باشد یا فرهاد مجیدی، اینکه محمود فکری روی نیمکت حرف اول را بزند یا صمد مرفاوی، اینکه پرویز مظلومی دلش بخواهد دوباره هدایت آبی‌ها را برعهده بگیرد و … همه این موارد در نوع خود جای بحث دارد و کاملاً بدیهی است استقلال انقدر در فوتبال ایران نام بزرگ و ارزشمندی است که بسیاری افراد دلشان می‌خواهد در داخل مجموعه آن باشند ولی واقعیت امر همان چیزی است که هواداران استقلال در هیاهوی جنگ‌های مجازی خود از یاد برده‌اند. واقعیت بسیار مهمی به نام نتایج مطلوب و موفقیت. عناصری که حداقل طی چند سال اخیر برای آبی‌ها و آبی دوستان حکم کیمیا را پیدا کرده است. قلعه‌نویی، مجیدی، مظلومی، فکری، مرفاوی و … همه این افراد نام‌های بزرگ و قابل احترامی هستند ولی استقلالی‌ها فراموش کرده‌اند که نام تیم خودشان از همه کسانی که برشمریم بزرگ‌تر است. اغلب بزرگان استقلال بخش اعظمی از بزرگی خود را به واسطه بر تن کردن پیراهن آبی به دست آورده‌اند و تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند ادعای بزرگ‌تر بودن از قبیله ای را بکنند که باعث شوکت آن‌ها شده است.هواداران استقلال این روزها دوباره چند تکه شده و هر کدام برای یک نفر سرودست می‌کشند.

گروهی حامی مجیدی هستند، عده‌ای خواهان بازگشت قلعه‌نویی و تعدادی هم دوستدار آمدن دوباره منصوریان ولی این وسط اصلاً کسی توجه نمی‌کند که استقلال رتبه دوم جدول را مال خود کرده و به رغم همه نواقص تاکتیکی قابل‌ملاحظه، حداقل تا اینجا ی کار در عرصه کسب امتیاز به مراتب بهتر از فصول گذشته عمل کرده است. آن‌ها برای مردان بیرون گود مانده از استقلال در فضای مجازی فریاد می‌کشند ولی توقع دارند افراد داخل گود شرایط بهتری را برای تیم محبوبشان رقم بزنند! این یعنی حمایت نکردن از مربیان کنونی آن هم در شرایطی که آبی‌پوشان پایتخت حداقل از باب نتیجه‌گیری موفقیت نسبی داشته‌اند. محمود فکری

# روزگار دشوار گل محمدی

این تهدید را جدی نگرفت. در این میان اما یک اتفاق عجیب رخ داد و چهارشنبه‌شب درست در پایان اولتیماتوم ۴۸ ساعته گل‌محمدی، ناگهان یک ویدئوی جدید از اظهارات ملتعب رسول‌پناه در جمع خبرنگاران منتشر شد. این قطعه فیلم در راستای حمایت از استقلال به همین سبب نامزد تکرار پنهانی از عضو هیأت‌مدیره باشگاه ضبط شده، اما عجیب است که این یکی با تاخیری تقریباً دو ماهه انتشار یافت. به هر حال ویدئوی جدید، حاوی جملاتی باورنکردنی است که حتی حراست وزارت ورزش اعلام کرده به آن ورود خواهد کرد. نهایتا باید دید داستان این عضو ناشی و جنجالی کادر مدیریتی باشگاه به کجا می‌انجامد. هر چه بود او سعی در تعدیل مواضع قبلی‌اش پرداخت. او در مصاحبه‌های تمرینات پرسپولیس حاضر شد و در مصاحبه‌ای بلندبالا به تعدیل مواضع قبلی‌اش پرداخت. او سعی کرد از وزارت ورزش دلجویی کند، توضیح داد منظورش را بد مطرح کرده و صرفاً یک درخواست قرار گیرد اما سوال مهم اینجاست چرا ادعاهای رسول‌پناه مورد بررسی قرار نمی‌گیرد؟

رسول‌پناه اتهاماتی را درباره نقش یک دلال در پرسپولیس و ارتباط او با یحیی گل‌محمدی مطرح می‌کند که نیازمند رسیدگی و دقیق و شفاف نهادهای نظارتی است. در این باره هم دو حالت بیشتر ندارد. یا ادعاهای پرسپوست سابق باشگاه حقیقت دارد که در آن زمان باید منتظر برخورد با فساد در پرسپولیس باشیم و اگر ادعاها صحت ندارد، رسول‌پناه به عنوان کسی که اتهامات

دست رفتن پیروزی دربی یا از دست دادن نصف امتیازهای بازی‌هایش نگاه نمی‌کنند و با او همسو نخواهند شد، باید برایش هشداردهنده و روشنگرانه باشد.در این شرایط یحیی با اصرار بر این مسأله در هر مسابقه و هر مقطعی که تحت فشار قرار می‌گیرد، بیشتر تصور و ذهنیت هواداران، رسانه‌ها، پیشکسوتان و جامعه فوتبال نسبت به خودش را تغییر می‌دهد و در واقع به ضرر خودش کار می‌کند.

شاید گل‌محمدی با اولتیماتوم و تحت فشار گذاشتن رئیس مجمع او را وادار به اتخاذ تصمیمی مهم کند و با کنار گذاشتن رسول‌پناه، سرانجام دل کادر فنی با تیم مدیریت باشگاه صاف شود اما حتی اگر استراتژی اخیر یحیی چنین دستاورد مهمی برای او داشته باشد و موفق به بیرون کردن رسول‌پناه از باشگاه شود، سرمربی پرسپولیس دیدگاه مردم نسبت به خودش را تا حدودی مخدوش کرده و دیگر هیچ‌کس از یحیی آن مربی صرفاً آرام، فنی و عملگرا را در ذهن نخواهد داشت و شاید گل‌محمدی هم به دایره گسترده بسیاری از مربیانی که برای توجیه اشتباهات‌شان فقط به مسائل خارج از زمین فوتبال متوسل می‌شوند و همواره دنبال دشمن می‌گردند، ببینند.اتفاقی که برای یحیی و پرسپولیس یک گام رو به عقب بزرگ به حساب می‌آید و جدا از پایین کشاندن سطح مربیگری گل‌محمدی و مخدوش کردن چهره‌اش نزد هواداران و اهالی فوتبال، تبدیل به عادی خواهد شد که بعد از هر ناکامی می‌توان با منحرف کردن مسیر انتقاده‌ها نفسی کشید و فشار را از روی خود برداشت که برای هر تیمی می‌تواند فوق‌العاده خطرناک باشد.



مانند هر فرد دیگری قطعاً نقاط ضعف و قوت دارد اما اینکه در چنین روزهای حساسی به جای حمایت از تیم او، هواداران استقلال را مشغول حمایت از بیرون گود نونستگان ببینیم، قطعاً در عالم حرفه‌ای هواداری، یک کار آماتور محسوب می‌شود. حضور فکری در استقلال ابدی نیست ولی مطمئن باشید روزی که او برود و یکی دیگر سرمربی آبی‌ها شود، همین حکایت به قوت خود باقی خواهد ماند و اگر هواداران استقلال به خودشان نیایند، دوباره افرادی پیدا می‌شوند که در فضای مجازی به آن‌ها برای کوبیدن مرد شماره یک نیمکت خط می‌دهند و طرفداران را به جنگ قبیله‌ای می‌فرستند تا خودشان از غنایمی که در آخر این نبرد بی‌حاصل برجا می‌ماند، کاسبی کنند. نکته‌ای که استقلالی‌ها به آن توجه ندارند، این است که برخی از خط دهندگان به آن‌ها در کاتال‌ها و صفحات، اساساً حامی شخص خاصی نیستند بلکه سنگ هر کسی را که جیبشان را بهتر و بیشتر پر کند، بر سینه می‌زنند. آن‌ها حتی طرفدار بزرگان استقلال نیز نیستند و قلعه‌نویی، فکری، مجیدی و دیگران برایشان اهمیتی ندارند بلکه فقط رسیدن به منافع خودشان مهم است و بس ولی آتش حاصل از این جنگ قبیله‌ای قطعاً دامن استقلال را می‌گیرد و موجب تداوم قهرمان نشدن و ناکامی این تیم در مسابقات داخلی و آسیایی می‌شود. اتفاقی که بیشتر از هر کس دیگری، باعث ناراحتی هواداران خواهد شد. همین افرادی که حالا ناخواسته آتش جنگ داخلی را شعله‌ور می‌کنند.

شماره ۳۱۲۹

## اخبار

### عصر اولتیماتوم

تقریباً یک سوم از لیگ بیستم فوتبال پشت سر گذاشته شده و تاکنون تنها دو باشگاه اقدام به تعویض سرمربی خود کرده‌اند. مسئولان دو تیم تبریزی تراکتور و ماشین‌سازی عذر علیرضا منصوریان و وحید بیتالو را خواستند و فعلاً با مربیان دیگری به کار ادامه می‌دهند. تغییر تنها دو مربی در ۱۰ یا ۱۱ هفته برای فوتبال عجول و بی‌حوصله ما خوب و امیدوارکننده است اما به نظر می‌رسد به زودی به این آمار افزوده خواهد شد. در حال حاضر دست کم سه مربی در سطح رسانه‌ای و به طور علنی از سوی مدیران باشگاه‌ها اولتیماتوم دریافت کرده‌اند. این اتفاق بدیهی است که مدیران باشگاه‌ها خیلی واضح و علنی می‌کنند. سخت است که بتوان مشابه این رفتار را در سطح اول فوتبال جهان پیدا کرد، اما خب اینجا هیچ چیز غیرممکن نیست!

### شماره عجیب رحمان رضایی

در بین خط و نشان کشیدن مدیران، شاید عجیب‌ترین ضرب‌الاجل را باشگاه ذوب آهن به رحمان رضایی داده باشد. آنها تصمیم‌گیری در مورد سرمربی جوان تیم‌شان را به پایان نیم‌فصل اول واگذار کردند. با این حال در یک بیانیه رسمی و علنی مدعی شده‌اند اگر ذوب آهن از پنج بازی باقی‌مانده کمتر از ۱۱ امتیاز بگیرد، رضایی برکنار خواهد شد. روشن نیست فلسفه چنین اولتیماتومی چیست؛ چرا که مربیان در همه مسابقات برای کسب حداکثر امتیاز تلاش می‌کنند و چنین کارهایی فقط فشار روانی را روی آنها و بازیکنان افزایش می‌دهد. به علاوه اگر بازیکنی مثلاً با کادر فنی مشکل داشته باشد، ممکن است در چنین فضایی راعب شود که کار را شل بگیرد و مربی رفتنی شود. در هر صورت ذوب آهن رحمان رضایی که اصلاً هم بد بازی نکرده و فقط کمی بدشانس بوده، دبیروز اولین بازی از این پنج مسابقه سرنوشت‌ساز را برابر سایپا برگزار کرد. جالب‌تر این که مدیران ذوب در همین اطلاعیه اضافه کرده‌اند در صورت کسب ۱۵ امتیاز از این پنج مسابقه به رحمان رضایی پاداش می‌دهند. خسته نباشید! کسی که بتواند پنج بازی پیاپی را ببرد شانس اول قهرمانی است. دیگر پاداش شما را می‌خواهد چه کار؟

### وحید فاضلی و فقط دو فرصت

مدیران باشگاه نساجی بعد از جدایی محمود فکری به دستیار او یعنی وحید فاضلی اعتماد کردند. تیم اوایل فصل بد بازی نمی‌کرد و صرفاً در نتیجه‌گیری مشکل داشت اما به تدریج کیفیت نمایش‌های نساجی هم افت کرد تا کار به جایی برسد که مدیران باشگاه برای تغییر وضعیت دو بازی به فاضلی فرصت بدهند. نساجی هم دیروز اولین مسابقه بعد از ضرب‌الاجل را برابر ماشین‌سازی، دیگر تیم بحرآن‌زده لیگ بیستم برگزار کرد. فاضلی در کنار بیتالو و محمد ربیعی سه مربی نوگرا و تئورسین لیگ بیستم محسوب می‌شدند که این جمع ظاهراً فقط ربیعی در مس رفت‌نشان حاشیه امنیت دارد.

### ناراضی‌ان از مهدی رحمتی

در تصمیمی شتاب‌زده اواخر فصل گذشته به دوران بازی‌اش پایان داد و هدایت شهرخودرو را بر عهده گرفت اما تا اینجا نتایج او اصلاً خوب نبوده است. تیم مشهیدی فعلاً از ۱۱ بازی فقط ۱۲ امتیاز کسب کرده است. رحمتی سه سال با شهرخودرو قرارداد دارد و هنوز برای نتیجه‌گیری او سقف زمانی مشخص نشده، اما مدیران میانی باشگاه هفته گذشته ناراضی‌تی‌شان را رسماً ابراز کردند. بازی بعدی شهرخودرو چهارشنبه برابر نساجی است؛ تیمی که سرمربی آن هم روی لبه تیغ است و شاید این دیدار یک قربانی بگیرد.

### یک قدم تا جدایی رادوشوویچ از پرسپولیس!

دروازه بان کروات تیم پرسپولیس پس از نیمه نهایی لیگ قهرمانان آسیا با حالت دلخوری از جمع پرسپولیسی ها جدا شد و به کرواسی رفت اما با تغییرات در راس کادر مدیریتی، ابراهیم شکوری مذاکراتی را با این بازیکن انجام داد و در نهایت برای بازگشت وی به توافق رسید. با این حال همین زمان رادوشوویچ در گفتگو با خبرنگار ما درباره این توافق گفت: «بدون دریافت حتی یک یورو به ایران می‌آیم، آن‌ها روی کاغذ نوشتند که «به زودی» قراردادت را پرداخت می‌کنیم؛ مثل همیشه گفتند انشالله.» با این حال رادوشوویچ پس از ورود به ایران حدود ۶۰ هزار یورو از بدهی ۱۲۰ هزار دلاری اش را گرفت تا رقم طلبش از فصل گذشته نصف شود. او از قراردادش با فصلی هنوز چیزی نگرفته و همچنین نسبت به موعد بعدی پرداخت (ابتدای سال جدید خورشیدی) بی‌اعتماد است و به همین خاطر نامه جدید خود را به باشگاه پرسپولیس ارسال کرده است. بوزیدار که بیش تر با فدراسیون جهانی فوتبال برای دریافت مطالباتش مکاتبه کرده بود، یک نامه نیز برای پرسپولیس ارسال کرد و حالا طبق قوانین فیفا با ارسال نامه سوم، می‌تواند به طور قانونی فسخ کند و همچنین خواستار پرداخت مبلغ قرارداد سال های بعدی اش شود. قرارداد او در دوره محمدحسن انصاری فرد به مدت سه سال تمدید شده بود و ممکن است این گلر کروات با هزینه دادرسی، حدود یک میلیون یورو بدهی روی دست پرسپولیس بگذارد. باید دید ابراهیم شکوری و جعفر سمیعی در این باره چه خواهند کرد. عصر امروز شکوری در این باره گفته بود که آن‌ها قصد ادامه همکاری را رادو ندارند. به نظر می‌رسد که رادوشوویچ تصور می‌کند جایی در برنامه های کادری ندارد و نسبت به رفتار مدیریت باشگاه نیز گله مند است و جدایی بازیکنانی چون هروبه میلچ سبب شده تا او هم در همین مسیر قرار بگیرد و هیچ بعید نیست که یازدهمین جدایی پرسپولیس نسبت به فصل گذشته، بسانیهف ترین خارجی تاریخ این باشگاه باشد؛ بازیکنی که اگر تا پایان قرارداد در پرسپولیس می‌ماند، به یکی از کاپیتان های این تیم تبدیل می‌شد.